



دایرةالمعارف فارسی کاری کارستان^۱

نورالله مرادی^۲



۱. دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب، از سوی بنیاد فرهنگ ایران (جلد اول، از حرف الف تا پایان حرف س، در سال ۱۳۴۵) و سپس از سوی انتشارات امیرکبیر (جلد دوم، در سال ۱۳۵۶) انتشار یافت. مقاله حاضر به مناسبت برگزاری هفدهمین نشست از سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن تهیه شده است. در این نشست که در ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ با دبیری دکتر غلامرضا امیرخانی برگزار شد، دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر حسین معصومی همدانی به بررسی دایرةالمعارف فارسی مصاحب پرداختند. ۲. پژوهشگر حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی.

10.30484/JII.2026.3341 | nmoradi1321@gmail.com

• استناد: مرادی، نورالله (۱۴۰۴). دایرةالمعارف فارسی، کاری کارستان. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی. (۲) ۱۵. ص ۲۲ - ۳۱.

دایرةالمعارف فارسی نقطه عطفی در
دانشنامه نویسی در ایران بوده است و
به جرئت می توان گفت که راه را برای
آیندگان هموار کرد و از آن تاریخ، همه
دانشنامه هایی که در ایران تدوین
شده اند، رهرو دایرةالمعارف فارسی
بوده اند. دایرةالمعارف فارسی کاری
است کارستان!

دانشنامه نویسی در ایران سابقه ای کهن دارد: بیش از یک هزار سال. قدیم ترین
دانشنامه گونه ای که در ایران می شناسیم دینکرت است؛ کتابی مفصل در ۹ جلد به زبان
پهلوی که دو جلد از آن باقی مانده است. از کتاب های دانشنامه گونه در ایران می توان از
رسائل اخوان الصفا نام برد. این رسائل به چهار قسمت تقسیم شده اند: ۱. رسائل ریاضیه
تعلیمیه، ۲. رسائل جسمانیه طبیعیه، ۳. رسائل نفسانیه عقلی، ۴. رسائل ناموسیّه الهیه و
شرعیه و دینیّه.

همچنین می توان از احصاء العلوم (فارابی)، مفاتیح العلوم (احمد بن یوسف خوارزمی)،
قانون (ابن سینا)، دانشنامه علائی (ابن سینا)، شفا (ابن سینا)، ذخیره خوارزمشاهی
(اسماعیل جرجانی)، جامع العلوم (فخرالدین رازی) و نفائس الفنون (شمس آملی)
به عنوان دانشنامه نام برد.

اما تدوین دانشنامه با ضوابط امروزی، در ایران، از آغاز قرن چهاردهم خورشیدی شروع
می شود. در سال ۱۳۱۷، سعید نفیسی طی قراردادی با وزارت فرهنگ وقت، تألیف فرهنگ نامه ای
مشمتمل بر لغات فارسی و اعلام ایرانی و خارجی را آغاز کرد. یک جلد از این کتاب را دبیرخانه
فرهنگستان در تهران منتشر ساخت، ولی با شروع جنگ جهانی دوم این کار متوقف شد.

در سال ۱۳۳۷ حسن تقی زاده، با گردآوردن گروهی از دانشمندان کشور، به ترجمه
دایرةالمعارف اسلام (چاپ لیدن هلند) اقدام کرد. تعدادی از مقالات این دایرةالمعارف به
فارسی ترجمه شد، ولی به سبب مشکلات گوناگون، مقصود حاصل نشد و این مقالات به
مرحله چاپ نرسید.

کار مهم دیگر، تعیین اسم شهر برای اسامی مشاهیری است که از قرن اول هجری تا آغاز قرن چهاردهم (دقیقاً تاریخ صدور شناسنامه در ایران، در ۱۳۰۴ خورشیدی) می‌زیسته‌اند. این کار با دقت فراوان انجام شده و دایرةالمعارف فارسی در این مورد یکی از منابع معتبر است.

در سال ۱۳۳۵، مؤسسه انتشارات فرانکلین، به پیشنهاد حسن تقی‌زاده، در صدد تهیه دانشنامه‌ای کوچک به زبان فارسی برآمد. این دانشنامه باید در برگیرنده مقالات تألیفی در ارتباط با ایران و جهان می‌بود. همایون صنعتی‌زاده، بنیان‌گذار و نخستین مدیر انتشارات فرانکلین، در مصاحبه‌ای به تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۸۰، در این باره چنین می‌گوید: «در انتشارات فرانکلین به این نتیجه رسیده بودم که جامعه فرهنگی ایران، یک کتاب مرجع اطلاعات عمومی [دانشنامه]، تا حد ممکن دقیق و قابل استناد لازم دارد. از همان اول پیدا بود که تهیه چنین کتابی خرجش زیاد است، کار یک روز و دو روز نیست، کار یک نفر و دو نفر هم نیست، کار یک هیئت است. هزینه چنین کاری نیز سیصد هزار دلار برآورد می‌شد.»

همایون صنعتی‌زاده از هیئت مدیره مؤسسه فرانکلین نیویورک که مؤسسه فرانکلین تهران شعبه آن است، تقاضای کمک مالی می‌کند. پاسخ هیئت مدیره فرانکلین، منفی است. از او می‌خواهند تا با مؤسسات خیریه فرهنگی آمریکایی تماس بگیرد. همایون صنعتی‌زاده، سرانجام موفق می‌شود در دو سه جلسه با هیئت مدیره بنیاد فورد صحبت کند. آنها موضوع را به نماینده خود در بیروت حواله می‌دهند. صنعتی‌زاده راهی بیروت می‌شود و با نماینده بنیاد فورد گفتگو می‌کند. نماینده بنیاد فورد اصل موضوع را می‌پذیرد، ولی پاسخ را به بعد از آمدن به تهران و مطالعات بیشتر موکول می‌کند. چند ماه بعد، نماینده بنیاد فورد به تهران می‌آید و در ملاقاتی با صنعتی‌زاده و بررسی جوانب طرح، بالاخره، با کمک صدوپنجاه هزار دلار، برای تهیه و تدوین دانشنامه موافقت می‌کند. باقی می‌ماند صدوپنجاه هزار دلار دیگر.

در آن زمان، پزشکی آمریکایی، به نام فرانکلین اسپاک، کتابی نوشته بود درباره نگهداری کودک که انتشار آن با اقبال جهانی روبه‌رو شده بود و قرار بود مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران هم ترجمه فارسی آن را منتشر کند. صنعتی‌زاده در ملاقاتی با اشرف پهلوی به او پیشنهاد کرد که فرانکلین آماده است این کتاب را به فارسی ترجمه و آن را به نام اشرف

پهلوی منتشر کند، و در عوض از او خواست که فرانکلین را در تهیه و تدوین دانشنامه فارسی یاری کند. اشرف پهلوی هم پذیرفت تا صد و پنجاه هزار دلار بپردازد. کتاب فرانکلین اسپاک با عنوان مادر و بچه با ترجمه اشرف منتشر شد.

ظاهراً مشکل مالی حل شد. حال می‌بایست کسی که دانش و توانایی علمی و فنی لازم برای تدوین چنین کتابی را داشته باشد، پیدا کرد. صنعتی‌زاده، در آن مصاحبه می‌گوید: «هرچه می‌گشتم یک آدمی پیدا کنم که مطمئن باشیم می‌تواند کاری جدی بکند، پیدا نمی‌کردم، به جز یک شخص ... [که] آقای علی محمد عامری [بود] ... رفتم دست به دامن آقای عامری شدم که بیا و این کار را به عهده بگیر. جواب داد که من از عهده این کار بر نمی‌آیم. این خیلی زور می‌برد و من زورش را ندارم، اما می‌گردم و کسی را پیدا می‌کنم.»

در همان روزها شجاع‌الدین شفا با همایون صنعتی‌زاده تماس می‌گیرد که شنیده‌ام قصد دارید دانشنامه‌ای منتشر کنید. من آماده‌ام که سرپرستی کنم. همایون صنعتی‌زاده نقل می‌کند که به هیچ وجه قصد نداشتم کار را به او بسپارم. از این رو گفتم: قبول یا رد این پیشنهاد بر عهده هیئت مدیره فرانکلین و رئیس آن آقای حسن تقی‌زاده است.

یک هفته بعد تقی‌زاده از صنعتی‌زاده می‌خواهد به دیدارش برود. در این ملاقات، برخلاف نظر صنعتی‌زاده که تصور می‌کرد تقی‌زاده به شفا پاسخ منفی می‌دهد، تقی‌زاده از او می‌خواهد که با سر ویراستاری شفا موافقت کند. صنعتی‌زاده می‌گوید: از این حرف به شدت برآشفته شدم. تقی‌زاده می‌گوید: چاره‌ای نداریم، کس دیگری نیست. صنعتی‌زاده هم پاسخ می‌دهد: بهتر است دایره‌المعارف هم نباشد.

روزی، عامری به دیدن صنعتی‌زاده می‌آید و دکتر غلامحسین مصاحب را برای ویراستاری این دایره‌المعارف معرفی می‌کند؛ ریاضی‌دانی بزرگ که معاون امور سد کرج هم هست. در آن زمان، سد کرج در دست احداث بود.

صنعتی‌زاده به ملاقات دکتر مصاحب می‌رود و می‌گوید: «تصمیم دارم کتاب مرجعی بسازم که قابل اطمینان باشد و از نظر درستی و صحت، یک جور سنت‌گذاری در مملکت باشد و پایه اطلاعات عمومی فرهنگ آسیایی ما بشود.» صنعتی‌زاده از قول مصاحب نقل می‌کند که این کار «آن قدر مهم است که اگرچه کار سنگینی است ولی ... انجام می‌دهم ... به یک شرط و آن این است که در کار من کسی دخالت نکند مطلقاً.» صنعتی‌زاده هم شرط او را می‌پذیرد. نخستین کاری که می‌کنند، آن است که شرایط و امکاناتی فراهم می‌کنند تا دکتر مصاحب راهی شود تا چند ماه انگلیس، چند ماه آمریکا و چند ماه فرانسه در مؤسسات مختلف که کارشان دایره‌المعارف‌سازی بود، دوره ببیند.

نخست قرار شد دانشنامه کوچک یک جلدی «کولومبیا وایکینگ» را که یک دانشنامه آمریکایی است، الگو قرار دهند. مصاحب در دیباچه دایره‌المعارف فارسی می‌نویسد: «از

همان اوایل کار معلوم شد که حاصل طرح اولیه، یعنی ترجمه «دایرةالمعارف کولومبیا وایکینگ» و درج مقالاتی تازه به جای بعضی از مقالات آن جوابگوی احتیاجات کنونی فارسی‌زبانان نتواند بود. توضیح آنکه دایرةالمعارف مذکور، چنان‌که در مقدمه آن منظور است، برای خوانندگان کنونی آمریکایی نوشته شده و ناظر به احتیاجات آنان می‌باشد، و مثلاً تعداد مقالات آن در باب ایران - از مذهب، تاریخ، جغرافیا، ادب، تمدن و غیره - از حد تجاوز نمی‌کند؛ حال آنکه در یک دایرةالمعارف عمومی که بالأخص ناظر به احتیاجات ایرانیان است، باید لااقل ده هزار مقاله به مسائل مذکور تخصیص داده شود. از طرف دیگر، احتیاجات خوانندگان ایرانی منحصر به مسائل مربوط به ایران نیست و گذشته از موضوع‌های علمی و ادبی و هنری متعدد، مقالات فراوانی باید در باب سایر ممالک جهان و مذهب و تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و تمدن آنها در کتاب درج شود و اگر می‌خواستیم قریب ده هزار مقاله از «دایرةالمعارف کولومبیا وایکینگ» اسقاط کنیم و مقالات مربوط به ایران را جایگزین آنها سازیم، محل کافی برای مسائل مذکور باقی نمی‌ماند.^۱

بدین جهت، کار از صورت ترجمه خارج شد و جنبه تألیف و تحقیق گرفت. از آنجاکه دانشنامه‌نویسی به سبک جدید در زبان فارسی سابقه نداشت، دکتر مصاحب ناچار شد نظامی خاص برای ضبط عناوین، تنظیم مقالات، ضبط تلفظ‌ها، علامات اختصاری و غیره وضع کند. شرح تفصیلی این نظام در مدخل «دایرةالمعارف فارسی»^۲ آمده است.

بسیاری از علما و دانشمندان ایران از جمله احمد آرام، غلامحسین صدیقی، محمد معین، مهدی محقق، محمدجعفر محجوب، عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب خویی، حسین گل‌گلاب، مهدی حائری و ... با مصاحب همکاری داشتند که اسامی آنها در ابتدای کتاب آمده است.

در ابتدا قرار بود که دایرةالمعارف فارسی در دو جلد منتشر شود، ولی در سال ۱۳۴۵، به دلیل اختلاف مصاحب با مدیریت وقت فرانکلین و نگرانی او از اینکه دفتر دایرةالمعارف فارسی به بنیاد جدیدالتأسیس فرهنگ ایران که توسط دکتر پرویز خانلری تأسیس شده بود، واگذر شود، وی را بر آن داشت که جلد اول را که حاوی مقالات الف - س بود منتشر کند. با ادامه کار و اتمام صدوپنجاه هزار دالار اهدایی بنیاد فورد، بار دیگر با مشکل مالی روبه‌رو شدند. صنعتی‌زاده در مصاحبه‌ای می‌گوید: «گاه‌گاه پیغام می‌فرستادم برای اولیا که صدوپنجاه هزار دلار ما دارد تمام می‌شود. آمریکایی‌ها هم از آن طرف فشار می‌آوردند که پس کو آن صدوپنجاه هزار دلاری که وعده کردی؟ ... توسط رئیس دفتر والا حضرت اشرف پهلوی مراجعه می‌کردم و می‌گفتم همچین قولی داده است. یک روز گفتند ایشان می‌خواهد دکتر مصاحب را ببیند.» ... صنعتی‌زاده به دیدار مصاحب می‌رود و از او می‌خواهد که به دیدار اشرف پهلوی بیاید، ولی مصاحب نمی‌پذیرد و زیر بار نمی‌رود. بالاخره با اصرار صنعتی‌زاده

۱. ص ۳ دیباچه.
۲. ص ۹-۷۷.

می‌پذیرد و یک روز برای صرف ناهار به دیدار اشرف می‌رود. صنعتی‌زاده درباره آن روز می‌گوید: «مصاحب آدم رگ و راستی بود. ترس من هم از رگ و راستی‌اش بود. والا حضرت در اثنای صحبت گفت: علی‌اصغر حکمت علاقه‌مند است جزو تهیه‌کنندگان دایرةالمعارف باشد. خواهش می‌کنم کاری به ایشان واگذار کن. مصاحب هم نه گذاشت و نه برداشت. بدون معطلی گفت: عیبی ندارد، بفرمایید بیاید من مقالات مربوط به یهود را بدهم ایشان بنویسند. والا حضرت رنگش پرید؛ حکمت، جدش یهودی بود. مجلس خنک و یخ شد. اشرف مانده بود چه بگوید. من دیدم قضیه صدوپنجاه هزار دیگر تمام شد.»

صنتی‌زاده در مورد تهیه منابع مالی می‌گوید: «به هر صورت جلد اول دایرةالمعارف درآمد. اگر نگاه کنید می‌بینید که ناشرش فرانکلین نیست، بلکه گروهی از ناشران هستند؛ یعنی این سیصد هزار دلاری که صرف کار شد، پولی بود که به شخص معینی تعلق نداشت.» در پشت صفحه عنوان جلد اول آمده است که «ناشران و کتاب‌فروشان مذکور در ذیل برای نشر و توزیع دایرةالمعارف فارسی با مؤسسه انتشارات فرانکلین همکاری می‌کنند» و در ذیل آن نوشته، اسامی شانزده ناشر درج شده است.

پس از کناره‌گیری دکتر مصاحب، ادامه کار به رضا اقصی واگذار شد. در سال ۱۳۵۶ خورشیدی، بخش اول از جلد دوم حاوی مقالات ش. ل به سرمایه‌امیرکبیر که امتیاز نشر این کتاب و سازمان کتابهای جیبی را از فرانکلین خریده بود، منتشر شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر مدیریت مؤسسه انتشارات امیرکبیر کار آماده‌سازی و انتشار بخش دوم جلد دوم به تأخیر افتاد. بالاخره در سال ۱۳۷۴ این بخش نیز شامل مدخل‌هایی که با حروف م. ی آغاز می‌شدند و همچنین «فرهنگ لغات و اصطلاحات» (فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی) که برگرفته از مدخل‌های سه مجلد دایرةالمعارف است، منتشر شد.

در نخستین سطور «یادداشت ناشر» ذکر شده که «نمایه تمام مجلدات در پایان همین بخش آمده است»، ولی متأسفانه نمایه تفصیلی این اثر مهم تهیه و منتشر نشده و فرهنگ لغات و اصطلاحات مورد نظر را نمی‌توان در حکم نمایه تفصیلی دانست.

یکی از کارهای بسیار مهم
و گره‌گشای دایرةالمعارف فارسی
ضبط صحیح اسامی اروپایی
و آمریکایی است.

در همین یادداشت، ناشر قول می‌دهد
و تعهد می‌سپارد که «در آینده‌ای نه‌چندان
دور» با انتشار جلد چهارم، به‌صورت کتابی
مستقل، نارسایی‌ها و کمبودهای هر سه
مجلد را برطرف کند که متأسفانه تا امروز
این مهم جامه عمل نپوشیده است.

ای کاش مؤسسه انتشارات امیرکبیر به تعهدی که دکتر مصاحب در مقدمهٔ جلد اول کرده، وفا می‌نمود و یک ضمیمه شامل ارجاعات بسیار متعدد که در ضمن کتاب فراهم شده است، نوسازی بعضی از اطلاعات و مقالات که در دورهٔ تألیف و چاپ کتاب تغییرات یا تحولات اساسی در آنها راه یافته است و نیز نوسازی اصطلاحات دیگر، نقشه‌های جغرافیایی و خاصه جغرافیای تاریخی ایران، اصطلاحات و کلمات نوساخته و جز آن، که در کتاب به کار رفته است و از همه مهم‌تر، ضبط فارسیِ قریب پانزده هزار اسم خارجی را منتشر می‌کرد.

ساختار دایرةالمعارف فارسی

تنظیم دایرةالمعارف فارسی، الفبایی است، البته با اختلافاتی با بعضی از فرهنگ‌ها و دانشنامه‌های فارسی، مثلاً مدخل‌های حروف «آ» و «الف» را یکی دانسته و در یک ردیف الفبایی آورده است. دکتر مصاحب در دیباچه دراین باره چنین می‌نویسد: «ممکن است کسانی ... الفبایی را که ما وضع نموده‌ایم، نپسندند. جواب این است که چون اصلاً نظامی در موضوع مورد بحث موجود نبوده، ما به تشخیص خود ناچار پی افکنده‌ایم و منتهای کوشش را در پیروی دقیق از آن مبذول داشته‌ایم ...»^۱

اگرچه کوشش شده که اسامی افراد به صورت اسم اشهر باشد و در مورد افراد معاصر از قاعدهٔ کلی تقدّم نام خانوادگی استفاده گردد، ولی متأسفانه گاه از این روش عدول شده است. از آن جمله است شرح حال «پروین اعتصامی»^۲ و شرح حال «فروغ فرخزاد»^۳ و شرح حال «فیدل کاسترو»^۴ که زیر نام کوچک آنها آمده است. عجیب‌تر آنکه شرح حال «دکتر جردن» به صورت «جوردن، دکتر» ضبط شده، در حالی که نام کوچک او «سمیوئل مارتین» است و از ارجاع «جوردن، سیمیوئل مارتین» نیز خبری نیست.

یکی از کارهای مهم و ارزنده در دایرةالمعارف فارسی ارجاعات آن است. «مقصود از ارجاع، حواله کردن از مطلع یا مطلبی است به مطلع یا مطلب دیگر.»

انتشار دایرةالمعارف فارسی کاری بود بسیار عظیم که ضوابط دقیق دانشنامه‌نویسی نوین در آن رعایت شده است، و همهٔ اینها حکایت از روح علمی و جدیت و پشتکار و وسواس علمی دکتر مصاحب دارد. اگر این کتاب را با ترجمهٔ عربی «دانشنامهٔ وایکینگ» که فرانکلین قاهره منتشر کرده، مقایسه کنیم، برتری‌های این اثر را به وضوح خواهیم دید.

۱. در مورد نظرات مصاحب دربارهٔ الفبای فارسی، رجوع کنید به ص ۴۰ مدخل «دایرةالمعارف فارسی».

۲. ص ۵۴۰، جلد اول.

۳. ص ۱۸۸۶.

۴. ص ۱۹۵۹.

ارجاعات در دایرةالمعارف فارسی به شرح زیر است:

۱. ارجاع «نگاه کنید به» که با علامت نیزه (←) نشان داده شده است.

مانند: **ایبک، قطب‌الدین: ← قطب‌الدین ایبک**

یعنی برای اطلاعاتی درباره «ایبک» باید به مدخل «**قطب‌الدین ایبک**» مراجعه کرد. این نوع ارجاع ممکن است، برای جلوگیری از اتلاف وقت خواننده، به قسمتی از یک مقاله مفصل که به کار او می‌خورد باشد. مثال: زمان عرفی ← زمان، قسمت VI

بدین ترتیب خواننده به‌طور مستقیم به قسمت ششم مقاله «**زمان**» ارجاع داده می‌شود. ۲. ارجاع «نیز نگاه کنید به:» در صورتی که در مقاله‌ای «کلمه» یا «کلماتی» باشند که در جای دیگری در مورد آنها اطلاعات بیشتری آمده باشد، آن «کلمه» یا «کلمات» با حروف «هشت سیاه» چاپ شده‌اند و این بدان معنی است که آن کلمه مدخل مستقلاً دارد، مانند: **اکلیل (eklil)**، هفدهمین منزل از **منازل قمر**.

در صورتی که مراجعه‌کننده اطلاعات بیشتری درباره «منازل قمر» بخواهد، می‌تواند به مدخل «**منازل قمر**» مراجعه نماید.

چنانچه «کلمه» در جمله وجود نداشته باشد، ولی ارجاع «نیز نگاه کنید به» ضروری باشد، از علامت ← استفاده می‌شود، مانند:

ارمنی، زبان، از زبان‌های هندواروپایی، رایج در ارمنستان و دارای کلمات فراوان مقروض از پارسی و پهلوی ← **زبان، جدول**.

اگر خواننده تعریف زبان‌های پارسی و پهلوی را نداند، می‌تواند تعریف آنها و اطلاعات دیگری در باب آنها را در مقاله «**زبان**» به دست آورد. در موارد استثنایی، ارجاع با عبارت بیان شده است، مثلاً:

روی (ruy)، عنصر فلزی نقره‌ای به رنگ سفید مایل به آبی (علامت شیمیایی Zn؛ نیز جدول عناصر را در مقاله «**عنصر**» ببینید).

در مواردی بسیار اندک و انگشت‌شمار در تدوین ارجاعات اشتباهاتی رخ داده است، مانند:

امام فخر ← فخرالدین رازی^۱

حال اگر مراجعه‌کننده به مدخل «**فخرالدین رازی**» مراجعه کند، با این ارجاع روبه‌رو می‌شود:

فخرالدین رازی ← فخر رازی^۲

تعجب‌آور اینکه ارجاع «**رازی، فخرالدین ← فخر رازی**» برای این مدخل بسیار مهم ساخته نشده است. همچنین است در مورد مدخل «**ابوعبید جوزجانی (شاگرد و یار ابن سینا)**» ارجاع جوزجانی، ابوعبید ← ابوعبید جوزجانی ساخته نشده است.

یکی از اشکالات مهم در تدوین دانشنامه و واژه‌نامه‌نویسی، به خصوص در زبان فارسی، مشکل تلفظ کلمات و اسامی است. در دایرةالمعارف فارسی برای نشان دادن تلفظ کلمات و اسامی از حروف فونتیک استفاده شده است. جدول الفبای آوایی دایرةالمعارف فارسی در قسمت «آستر بدرقه» (نخستین و آخرین صفحه کتاب) درج شده و اصول و قواعد آن در صفحات ۱۸-۲۴ و ص ۷۳ ذیل مدخل آن آمده است.

نکته مهم دیگر در دایرةالمعارف فارسی استفاده از علامات اختصاصی، به منظور صرفه جویی در فضا و حجم دانشنامه است. جدول علامات اختصاری نیز در «آستر بدرقه» و صفحات ۱۶ و ۱۷ «مدخل» آمده است.

یکی از کارهای بسیار مهم و گره‌گشای دایرةالمعارف فارسی ضبط صحیح اسامی اروپایی و آمریکایی است. مصاحب ضبط اسامی را به سه گروه تقسیم کرده است. ۱. اسامی غربی که در طی تاریخ در ایران، ولو به غلط و اشتباه به کار رفته و پذیرفته شده است، مانند افلاطون در مقابل Plato، جالینوس در مقابل Galen یا ارسطو در مقابل Aristotle، که باید به همین صورت به کار گرفته شود.

۲. اسامی غربی که به دو یا چند صورت به کار رفته است، مثل George که برای اسامی انگلیسی باید به صورت «جورج» و برای اسامی فرانسوی باید به صورت «ژرژ» به کار برده شود. در بسیاری از متون فارسی چند دهه این اصل رعایت نشده است و عموماً در همه موارد به صورت «ژرژ» به کار رفته است.

۳. اسامی غربی که به تازگی و برای نخستین بار وارد زبان فارسی می‌شوند که لازم است به صورتی به کار گرفته شود که در زبان اصلی تلفظ می‌شود.

کار مهم دیگر، تعیین اسم شهر برای اسامی مشاهیری است که از قرن اول هجری تا آغاز قرن چهاردهم (دقیقاً تاریخ صدور شناسنامه در ایران، در ۱۳۰۴ خورشیدی) می‌زیسته‌اند. این کار با دقت فراوان انجام شده و دایرةالمعارف فارسی در این مورد یکی از منابع معتبر است.

حال، یک مدخل را به عنوان مثال می‌آوریم.

آرموریکا (armorika) نام قدیم قسمتی از «ل غ» فرانسه، تقریباً مطابق ناحیه‌ای بین مصب‌های رودهای سن و لوآر. در قرون وسطی این نام به «برتانی» اطلاق می‌شد.

۱. مدخل (با حروف سیاه)

۲. تلفظ

۳. علامت اختصاری (ل غ = شمال غربی)

۴. ارجاع «نیز نگاه کنید به»

این نخستین بار بود که در ایران کوشش شد تا نظامی برای مراحل و مسائل مختلف مربوط به دانشنامه، از قبیل ضبط عناوین، تنظیم مقالات، ضبط تلفظ‌ها، علامات اختصاری، نقطه‌گذاری، نقل اعلام خارجی به زبان فارسی، ارجاعات و غیره، وضع و در سراسر کتاب از آن پیروی شد.

متأسفانه جای بعضی از مقالات در این دانشنامه خالی است، مثلاً مدخل «علم» که هیچ‌گونه اطلاعاتی در این مورد به خواننده نمی‌دهد و این در حالی است که ویراستار کتاب (دکتر مصاحب) یکی از برجسته‌ترین دانشمندان کشور و ریاضی‌دانی بزرگ است. در پاره‌ای نیز موارد با مدخل‌هایی سروکار داریم که برای یک دانشنامه عمومی بسیار مفصل و سنگین است، مانند مدخل «عدد». در پاره‌ای موارد هم اطلاعات ارائه شده بسیار کوتاه است مانند مدخل «جامعه‌شناسی».

به هر حال، انتشار دایرةالمعارف فارسی کاری بود بسیار عظیم که ضوابط دقیق دانشنامه‌نویسی نوین در آن رعایت شده است، و همه اینها حکایت از روح علمی و جدیت و پشتکار و وسواس علمی دکتر مصاحب دارد. اگر این کتاب را با ترجمه عربی «دانشنامه وایکینگ» که فرانکلین قاهره منتشر کرده، مقایسه کنیم، برتری‌های این اثر را به وضوح خواهیم دید، از آن جمله است: تلفظ مدخل‌ها، ارائه انگلیسی یا فرانسه مدخل‌ها (به خصوص در مورد مدخل‌های علمی) و ارجاعات.

همچنان که مصاحب در مقدمه اثر گفته، این نخستین بار بود که در ایران کوشش شد تا نظامی برای مراحل و مسائل مختلف مربوط به دانشنامه، از قبیل ضبط عناوین، تنظیم مقالات، ضبط تلفظ‌ها، علامات اختصاری، نقطه‌گذاری، نقل اعلام خارجی به زبان فارسی، ارجاعات و غیره، وضع و در سراسر کتاب از آن پیروی شد.

مصاحب در تدوین دایرةالمعارف فارسی به جوانان مستعد فرصت داد تا با دانشنامه‌نویسی آشنا شوند و در این زمینه فعالیت نمایند؛ کسانی چون: ابراهیم مکلا، داریوش آشوری، هرمز همایون‌پور، محمدرضا شفیعی کدکنی و احمد بطحایی.

دایرةالمعارف فارسی نقطه عطفی در دانشنامه‌نویسی در ایران بوده است و به جرئت می‌توان گفت که راه را برای آیندگان هموار کرد و از آن تاریخ، همه دانشنامه‌هایی که در ایران تدوین شده‌اند، رهرو دایرةالمعارف فارسی بوده‌اند. دایرةالمعارف فارسی کاری است کارستان!